

نگاهی به سیره حضرت زهرا (س)^۱

فریاد در سکوت^۲

کسانی که با معارف قرآنی آشنا هستند، تردیدی در عصمت حضرت زهرا سلام... علیها ندارند. علاوه بر آیاتی همچون آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) و آیه مباحله (آل عمران، ۶۱) که به طور مستقیم بر عصمت ایشان دلالت دارند، تدبیر در سوره کوثر، سوره انسان (داستان اطعام مسکین و یتیم و فقیر و نوع مدح خداوند از رفتار ایشان) و نیز روایات فراوانی که از پیامبر اکرم (ص) باقی مانده، جای هیچ تردیدی در عصمت و علو مرتبه ایشان نمی‌گذارد.

به نظر می‌رسد از سویی کوتاهی زمان بروز رفتارهای سیاسی ایشان - حدود سه ماه - و از سوی دیگر زن بودن ایشان - که غالباً تلقی می‌شود که زنان را با سیاست چه کار؟ - از اموری هستند که موجب شده‌اند نه تنها تحلیل سیره سیاسی این بانوی بی‌نظیر تاریخ بشریت دشوار باشد، بلکه ضرورت چنین تحلیلی نیز کمتر مورد توجه واقع شود. رفتارهای ایشان در عین حال که آموزش «شیعه واقعی» بودن است، نشان می‌دهد که «پیرو امام راستین» بودن چقدر دشوار و طاقت‌فرسا است، و چه اندازه کم هستند افرادی که تحمل آن را داشته باشند:

إِنَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ قَدْ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ^۳

در این جا فهرست‌وار به برخی از درس‌های سیره سیاسی صدیقه طاهره اشاره، و تحلیل تفصیلی آن‌ها به خواننده واگذار می‌شود:

۱- یکی از اموری که عظمت و اهمیت رفتار سیاسی حضرت زهرا را نشان می‌دهد این است که ایشان وظیفه انسان را در شرایطی که تکلیف يك مؤمن با تکلیف رهبرش متفاوت می‌شود، ترسیم می‌کند: در جریان سقیفه، امیرالمؤمنین (ع)، به خاطر دستوری شخصی از جانب پیامبر (ص)، مکلف به سکوت بود، اما حضرت زهرا (س) به عنوان يك فردی که «امام» نیست؛ اما معصوم است و طبق حدیث نبوی غضب او

^۱ . <https://rasekhoon.net>

^۲ نشریه پنجره شماره ۴۲ / حجت الاسلام دکتر سوزن چی

^۳ خصال صدوق، ج ۱، ص ۲۰۷

غضب خداست (لذا رفتار او الگوی ماست) سکوت نکرد. یعنی ایشان نشان می‌دهد اگر وظیفه ما با امام مان متفاوت بود، چگونه باید وظیفه را تشخیص دهیم و چگونه باید رفتار کنیم که هتک امام و رهبرمان پیش نیاید؛ چگونه می‌توان بین بصیرت داشتن با پیروی کردن و ولی داشتن منافاتی ندید؛ و آموزش دادند که چگونه می‌توان حتی در شرایطی که دست ولی و امامت برای هرگونه اقدامی بسته است، اقدامی انجام دهی بدون این که واقعا خودسرانه رفتار کرده باشی و اقدامات لطمه به دین بزند.

۲- برخورد‌های حضرت زهرا(س)، عمق درهم‌تنیدگی دیانت و سیاست را نشان می‌دهد. ایشان با آن سوابق عظیم دینی^۱ و با آن مقامات عرفانی^۲ وقتی که متوجه می‌شود جامعه دینی به لحاظ مشی سیاسی و ولایی دچار انحراف شده، شخصا وارد صحنه سیاست می‌شود، و نه فقط هنگام تعرض عده‌ای به منزل ایشان مقاومت شدید نشان می‌دهد، بلکه به این اکتفا نمی‌کند و به مسجد مدینه می‌رود و برای مردان سخنرانی می‌کند. ۳- ایشان اهم و مهم‌های جامعه دینی را با سیره خود آشکار کرده، نشان می‌دهد که جایگاه ولایت و حکومت بر مردم در قبال سایر مسائل چیست؟ بصیرت ایشان معلوم می‌سازد که اگر همه احکام ظاهری دین برقرار بود، ولی ولایت و حکومت به معنایی که وحی الهی تعیین کرده برقرار نبود، شاید در ابتدا مشکلی به چشم نیاید، اما همین روال در درازمدت جامعه را به سمت بی‌عدالتی‌هایی سوق خواهد داد که ممکن است بعدها شورش عمومی مردم علیه خلیفه وقت را دامن بزند یا حتی به شهادت برترین دینداران^۳ بینجامد.

۴- مشی سیاسی حضرت زهرا(س)، نشان‌دهنده پیچیدگی تصمیم‌گیری سیاسی در قبال مسئله حکومت دینی است: ایشان در درجه

^۱ که آن همه آیات در وصف ایشان نازل شده

^۲ امام صادق(ع) فرمود: من عرف فاطمه حق معرفتها فقد أدرك ليله القدر؛ بحارالانوار، ج ۴۳،

ص ۶۵

^۳ امام حسین(ع) و یارانش

اول نشان می‌دهد که حکومت در جامعه دینی، قطعاً یک مقوله دینی است و نمی‌توان پذیرفت که رهبر جامعه، کسی باشد که منصوب دین نباشد؛ هرچند که ظاهر و سابقه ظاهریش خوب، و به عنوان یک شخص دیندار در جامعه شناخته شده باشد و مردم هم مخالفت نکنند؛ به تعبیر دیگر، فقط مسلمان بودن و مورد قبول مردم واقع شدن، شرط کافی برای حاکم جامعه دینی نیست؛ بلکه حاکم در جامعه دینی حتماً باید مستند به دستور دین انتخاب شود. اما پیچیدگی سیره ایشان در این است که: اگر این گونه نشد، راهکار نه آن است که در خانه بنشینیم و کاملاً کنار بکشیم، و نه این که به هر قیمتی درصدد سرنگون‌سازی حکومت موجود برآییم؛ باید تا حد امکان اعتراض خود را به گوش مردم برسانیم، اما به صورتی که اصل نظام دینی متزلزل نشود. به تعبیر دیگر، در سیره ایشان توجه توانمند به سه مطلب مشاهده می‌شود:

۱- قطعاً باید حکومت، حکومت دینی باشد؛

۲- برخلاف نظر اهل سنت، هر حکومتی که نام حکومت دینی به خود گرفت، لزوماً حکومت شایسته نیست؛

۳- برخلاف نظر خوارج، اگر احساس کردیم که حکومت شایسته نیست، به هر قیمتی با آن مبارزه نمی‌کنیم.

لذا مشاهده می‌شود که اقدام امیرالمؤمنین (ع) و حضرت زهرا (س)، مکمل همدیگر است. مصلحت اسلام این است که چون دشمن خارجی (ایران و روم) طمع می‌کند، دودستگی راه نیفتد و علیه حکومت وقت اقدام مستقیمی انجام نشود؛ اما روشنگری‌هایی که دشمن خارجی نمی‌تواند از آن‌ها سوءاستفاده کند، مجاز و بلکه واجب است. این گونه است که امیرالمؤمنین (ع) سکوت می‌کند، و حضرت زهرا (س) ابتدا خطبه می‌خواند و سپس با گریه‌هایی که خواب را بر اهل مدینه حرام می‌کند، به روشنگری می‌پردازد؛ نشان می‌دهد در شرایطی که فریاد و قیام تو به نفع دشمن خارجی تمام می‌شود و سکوت تو موقعیت فرصت طلبان داخلی را

^۱ که در این مورد چیزی جز مصلحت نظام اسلامی نیست؛ چرا که واقعاً اسلامی که «منصوب پیامبر» در رأس آن نباشد، حقیقتاً اسلام نیست

محکم می‌کند، چگونه با گریه، «فریاد در سکوت» انجام دهی، و این موضوع محور بعدی است.

۵- یکی از آموزش‌های عمیق حضرت زهرا(س)، توأم کردن احساسات پاک و زلال دینی با دغدغه‌های سیاسی - دینی و جهت‌دهی به اندیشه سیاسی جامعه از طریق برگزاری مراسم عزاداری است. ایشان برای اولین بار در طول تاریخ نشان داد که چگونه می‌توان گریه را، که کاملاً با روح انسان‌ها ارتباط برقرار می‌کند، در مسیر آگاهی بخشی سیاسی جامعه به خدمت گرفت، و نظام اعتراض به سبک عزاداری را پایه‌ریزی کرد؛ نشان دادند چگونه بدون این‌که فریاد بزنیم و به خیابان‌ها بریزیم و طمع دشمن خارجی را برای حمله به جامعه اسلامی برانگیزانیم، حکومت را به نحوی نقد کنیم که هم مردم متوجه شوند و هم اصل نظام حکومت دینی زیر سؤال نرود؛ و در یک کلام چگونه می‌توان برای حفظ نظام اسلامی سکوت پیشه کرد و در عین حال، سکوت خود را فریاد زد. این گونه بود که نام شیعه با عزاداری پیوند خورد؛ و شیعه از این طریق، نه تنها هویت خود را در فضاهاى خفقان‌آور اموی و عباسی حفظ کرد، بلکه از آن به عنوان یک روش مبارزاتی کارآمد همواره بهره برد؛ تا حدی که امام خمینی(ره) همین انقلاب ما را نیز ثمره همین عزاداری‌ها معرفی می‌کند.

۶- مشی سیاسی حضرت زهرا(س) برای حضور زنان در عرصه سیاسی- اجتماعی نیز حاوی پیام مهمی بود. ایشان نشان داد که چگونه یک زن بدون این‌که مطلقاً از جاذبه‌های جنسی خود استفاده کند یا با شعارهای زنانه‌پسند (= فمینیستی) پا روی حقیقت بگذارد، می‌تواند نه تنها در کانون توجهات اجتماعی واقع شود، بلکه لרزه‌های سیاسی عمیقی نیز در جامعه ایجاد کند و زیرک‌ترین سیاستمداران را به چالش بکشد. او آموخت که چگونه به عنوان یک زن می‌توانی شدیداً اهل عفاف و دوری از رابطه با نامحرمان باشی، اما در عین حال چنان شخصیت اجتماعی خود را سامان دهی که در عرصه‌ای که مردان، امکان یا توان بصیرت بخشی

^۱ این سبک بعدها توسط ائمه اطهار(ع) در خصوص عاشورا مورد بهره‌برداری قرار گرفت

ندارند، نه فقط با خطابه‌های آتشین خود، بلکه حتی با عزلت و گریه خود، خواب را بر خفتگان حرام، و راه حق را برای نسل‌های بعدی آشکار سازی. ۷- نحوه مواجهه حضرت زهرا(س) با مشکلات جامعه، جلوه‌ای از عمق تقوای سیاسی نیز هست. این تقوا را در سیره ایشان خصوصا در دو زاویه می‌توان مشاهده کرد:

یک: حق و منافع شخصی خود را بهانه ای برای دفاع از حقوق عمومی (حق ولایت) قرار دادن؛

دوم: خود را سپر ولایت کردن، و نه در پشت ولی سنگر گرفتن. یعنی ایشان نشان دادند که چگونه می‌توانی به قدری وارسته باشی و به قدری در ولایت امام و رهبرت ذوب شده باشی که نه تنها از ولایت او برای خود خرج نکنی و نه تنها ولایت او را برای احقاق حقوق خودت نخواهی، بلکه ضربه‌هایی را هم، که در حقیقت به خاطر دفاع تو از ولایت، به خودت زده شده (غصب فدک)، بهانه‌ای برای دفاع از حریم ولایت قرار دهی. امروزه فراوان مواجه می‌شویم با کسانی که دم از ولایت می‌زنند، اما یا ولایت را به عنوان پلی برای رسیدن به خواسته‌های خود می‌خواهند (و لذا در فتنه‌ها حجاب از رخ برمی‌گیرند) و یا ولایت را به عنوان سنگری می‌دانند که پشت آن مخفی شوند و با آن تیرهای منتقدان را از خود دفع کنند؛ اما صدیقه کبری حتی نرفت تا با دفاع از ولایت حق، به حق و حقوق خود برسد؛ بلکه حق و حقوق قطعی خود (= فدک) را بهانه‌ای کرد تا به همگان نشان دهد که چگونه حق و حقیقتی به نام ولایت در حال فدا شدن است.^۲ شاید عاشوراییان از او الهام گرفته بودند که روز عاشورا جان خود را سپر تیرهایی که به سوی امام می‌آمد، کردند.

^۱ . به تعبیر زیبای قرآن کریم :اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ/ مجادلہ، ۱۶

^۲ در خطبه ایشان در مسجد مدینه که در اعتراض به غصب فدک صورت گرفته، بحث مفصلی به معرفی اسلام و بیان سوابق و جایگاه امیرالمؤمنین(ع) در اسلام اختصاص دارد؛ و بحث‌های مربوط به فدک در انتهای بحث و با حجمی کمتر مورد اشاره قرار گرفته است، و در آن هم بیش از آن که بحث بر سر تضييع حق خویش باشد، پیرامون ضعف منطق غاصبین است

۸- مرور مباحث حضرت زهرا(س) در خطبه فدکیه ظرایف دیگری از مشی سیاسی ایشان را نیز معلوم می‌سازد. ایشان در آن جا آموزش می‌دهد که افشاگری و بصیرت بخشی در جامعه دینی‌ای که عده‌ای از سابقه‌داران اسلام درصدد تحریف دین هستند، چگونه باید باشد؟^۱ این مختصر مجال توضیح فقرات مختلف این خطبه پرمحتوا را ندارد، لذا فقط به مدل بصیرت بخشی ایشان اشاره می‌شود. غاصبان فدک می‌گفتند که از پیامبر(ص) شنیده‌ایم که فرموده: «ما پیامبران ارث نمی‌گذاریم.» حضرت نیز در خطبه خود آیات متعددی از قرآن کریم را نقل می‌کند که دلالت مستقیم بر ارث گذاشتن پیامبران دارد. در واقع نشان می‌دهند که چگونه ممکن است عده‌ای برای غصب حقوق دیگران حتی حدیث جعل کنند، و راه دفع این فتنه، مراجعه عمیق و جدی به قرآن کریم است، و راه افشای فتنه‌گر، افشای منطق او و نشان دادن ناسازگاری منطق او با منطق دین است.

آن چه بیان شد، تنها فهرستی از برخی از اموری بود که از سیره سیاسی آن بزرگوار می‌شود آموخت و قطعاً نویسنده تنها در حد فهم خود سخن گفته، نه در حد مقام حقیقی آن شخصیت بی‌نظیر؛ و بدیهی است که نه عبرت‌های سیره سیاسی ایشان به همین موارد محدود می‌شود؛ و نه حق همین موارد نیز با این چند جمله اداشدنی است.

^۱ خطبه با حمد و سپاس‌های مفصلی آغاز می‌شود که -جدای از معارف عمیق الهی که در این فقرات نهفته است- شاید کنایه از این باشد که این اعتراض من، اعتراض بر شماست نه بر خدا؛ و من تحت هر شرایطی کاملاً راضی به رضای خدا هستم